

عنوان مقاله:

نگاهی به دیستوپیا و نمود آن در ادبیات فارسی

محل انتشار:

چهارمین کنفرانس بین المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسندگان:

سمانه جعفری - استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

مهديه نیازمند - دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

ادبیات آیینه تمام نمای شرایط سیاسی، اجتماعی و فردی شاعر و نویسنده است اما گاه انسان می کوشد در قالب آن به بیان آرزوها، امیال و خواسته های خود بپردازد. آرمانشهر یا یوتوپیا نوعی از ادبیات است که با تمرکز بر آفرینش جهانی با برترین امکانات و شرایط سعی بر آن دارد تا میل انسان به کمال و سعادت دنیوی را تا حدی تسکین بخشد. در مقابل آن دیستوپیا یا ویرانشهر قرار دارد که مکانی خیالی یا وضعیتی است که در آن همه چیز به بدترین شکل ممکن است. بررسی دیدگاه های معتبر در باب دیستوپیا نشان میدهد که صرف وجود بدبینی و ناامیدی در یک اثر آن را وارد ژانر دیستوپیا نمی کند؛ زیرا وجه مهم دیگر در ادبیات دیستوپیا هدف و آگاهی بخش و انذار دهنده آن است که در برقراری ارتباط بین حال و آینده معنا پیدا می کند. پژوهش حاضر به روش کتابخانه ای سعی در تشریح دیستوپیا و ویژگی های آن دارد و نشان میدهد که آثاری از ادب فارسی معاصر را که اغلب به سبب غلبه فضای تاریک و ناامیدانه آن را از نوع ادبیات دیستوپیا می دانند، نمیتوان به واقع در این دسته قرار داد

کلمات کلیدی:

دستوپیا، ویرانشهر، آرمانشهر، ادبیات معاصر.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1016404>

